



## جنگ از دیدگاه قرآن

پدیدآورنده (ها) : حامدمقدم، احمد

علوم قرآن و حدیث :: نشریه مشکوة :: بهار ۱۳۶۴ - شماره ۷ (ISC)

صفحات : از ۱۰۹ تا ۱۳۸

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/58460>

تاریخ دائلود : ۱۴۰۵/۰۱/۱۹

**کاربر گرامی، فایل دائلود شده فقط برای استفاده شخصی است، از نشر آن خودداری فرمایید.**

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- جنگ از دیدگاه قرآن کریم (۱)
- جنگ نرم و روش های مقابله با آن از دیدگاه قرآن
- جنگ از دیدگاه قرآن (۲)
- بررسی جنگ های پیامبر (ص) از دیدگاه قرآن با تأکید بر بدر و احد
- روابط خارجی دولت اسلامی از دیدگاه قرآن کریم جنگ یا صلح؟
- جشن و سرور در میلاد پیامبر گرامی (ص) از دیدگاه قرآن و سنت
- حدوث و قدم قرآن در مثنوی مولانا (از دیدگاه اهل بیت)
- استقلال جامعه دینی از دیدگاه قرآن
- بررسی میزان پاسخ گویی کتاب دین و زندگی سال دوم متوسطه به نیازهای معنوی و روانی دانش آموزان از دیدگاه دبیران دینی و قرآن
- صفات و ویژگی های آمران به معروف و ناهیان از منکر از دیدگاه قرآن کریم - قسمت اول

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## جنگ از دیدگاه قرآن

جنگ یکی از پدیده‌هایی است که جامعه‌شناسان و متفکران اجتماعی پیرامون آن به اظهار نظر پرداخته و جنبه‌های گوناگون آن را از دیدگاه‌های مختلف مورد مطالعه قرار داده‌اند، اگرچه این عطف توجه بسان سایر پدیده‌ها و مسائل اجتماعی نبوده است و جامعه‌شناسان به این پدیده نسبت به سایر جوانب زندگی اجتماعی کمتر توجه کرده‌اند. اندکی تأمل در تاریخ جامعه‌شناسی بخوبی بیانگر این امر می‌باشد، به همین دلیل گفته‌اند که در مورد جنگ از لحاظ جامعه‌شناسی مجموعه نظری قابل قبول عامی وجود ندارد.

با این همه، مطالعاتی که جامعه‌شناسان درباره جنگ انجام داده و نظریاتی که در این زمینه ارائه داده‌اند شامل جوانب گوناگون این پدیده می‌باشد از قبیل: علل ایجاد جنگ، اثرات اجتماعی- اقتصادی جنگ، عواملی که منجر به پیروزی یا شکست در جنگ می‌شود و مانند اینها. مادرین مقاله پس از ذکر مختصر برخی از این نظریات به مطالعه دیدگاه قرآن پیرامون جنگ خواهیم پرداخت.

گروهی از محققان و صاحب‌نظران، جنگ را جزء طبیعت آدمی دانسته و سرچشمه ستیزه جویی انسان را در سرشت او جستجو می‌کنند، گروهی دیگر بر عکس، جنگ و ستیز را جزء طبع آدمی ندانسته و معتقدند که بروز این پدیده، علت

اجتماعی دارد و زندگی اجتماعی است که انسانها را وادار به جنگ می نماید. از این گذشته تکرار جنگ در ادوار تاریخ زندگی بشر، موجب شده که عده ای گمان کنند که جنگ یک عنصر پایدار و لازمه زندگی انسان می باشد و نظریات خود را بر پایه ضرورت و اجتناب ناپذیری مبارزه و کشمکش قرار می دهند، نویسندگانی مانند اشتاینمتر (Steinmetz) و گومپلویچ (Gumplowicz) از این دسته اند<sup>۱</sup>، و عده ای را نیز عقیده بر این است که جنگ عنصری پایدار در زندگی انسان نبوده و سرانجام از زندگی بشر حذف خواهد شد.

از جمله کسانی که توجه نسبتاً زیادی به جنگ کرده و آراء تقریباً مفصلی در این زمینه ارائه نموده است، ابن خلدون متفکر بزرگ اسلامی و پایه گذار واقعی جامعه شناسی علمی است، او یک فصل از مقدمه ارزشمند کتاب خود «کتاب العبر...» را مستقلاً به بررسی این پدیده اختصاص داده است، یعنی فصل سی و هفتم از باب سوم کتاب اول تحت عنوان «در جنگها و روشهای ملتهای مختلف در ترتیب و چگونگی آن»، اگر چه در سایر فصول نیز به طور پراکنده به اقتضای بحث، مطالبی راجع به جنگ ابراز نموده است.

ابن خلدون از جمله کسانی است که جنگ را جزء طبیعت آدمی دانسته و می نویسد: «باید دانست که انواع جنگها و زد و خوردها از نخستین روزگاری که خداوند مردم را آفریده است پیوسته در میان آنان روی می داده است و اصل آن از کین تیزی و انتقام گرفتن یکی از دیگری سرچشمه می گیرد و آن وقت وابستگان و خداوندان عصبیت هر یک از دو دسته پیکار کننده به هواخواهی و تعصب وی بر می خیزند. پس هنگامی که بدین سبب دو گروه به نبرد با یکدیگر برانگیخته شوند

۱- م. م. مک آپورن: جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم علی کنی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب،

و در برابر هم بایستند، یکی از آن دو به قصد انتقامجویی بر می خیزد و دیگری آمادهٔ دفاع می شود و در نتیجه جنگ روی می دهد.

و این خوی در میان بشر طبیعی است، چنان که هیچ ملت و طایفه ای دیده نمی شود که از آن بی بهره باشد و سبب این انتقامجویی غیرت و رشک و تفاخر یکدیگر یا تجاوز یا خشم گرفتن بر گروهی در راه خدا و دین او یا برانگیخته شدن در راه حفظ تاج و تخت و کوشیدن برای بنیان نهادن و استحکام آن است.<sup>۲</sup>

ابن خلدون چهار نوع جنگ مشخص می کند: انتقامجویی قبایل همجوار و دشمنی در بین ملت‌های وحشی، این دو نوع جنگ، ستمگرانه و فتنه آمیزند، به خشم آمدن برای خدا که در شریعت اسلام از آن به کلمه «جهاد» «جنگ مقدس» تعبیر می کنند و نوع چهارم، جنگ‌های دولت‌ها با گروه‌هایی است که برضد آنها قیام می کنند و این دو نوع جنگ‌های عادلانه و جهاد یا «جنگ مقدس» هستند.<sup>۲</sup>

از جمله کسانی که جنگ را در جوامع انسانی طبیعی ندانسته و آن را ناشی از شرایط اجتماعی و اقتصادی دوران خاصی می شمارند، مارکسیست‌ها هستند، این گروه جنگ را نیز بسان سایر مسایل اجتماعی تبیین می کنند یعنی در چهارچوب نظریهٔ طبقاتی و تضاد طبقاتی مارکسیستی. نمونهٔ نوعی تجزیه و تحلیل مارکسیست‌ها از جنگ این گونه است: «مهمترین علت (جنگ) را باید در اختلافات طبقه‌ای جست. فرادستان جامعه معمولاً برای تاراج جامعه‌های دیگر، دست به جنگ می زنند و به قصد آن که اکثریت مردم جامعهٔ خود را به جنگ بکشانند، ندا در می دهند که جنگ آنان جنگی سود جو یانه نیست، بلکه جنگی است محض مصالح وطن یا دین یا حتی انسانیت. طبقهٔ حاکم به این شیوه،

۲- عبدالرحمن بن خلدون: مقدمه، جلد اول، ترجمهٔ محمد پروین گنابادی، تهران، مرکز انتشارات علمی

و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۶۲، ص ۵۱۸-۵۱۹.

خودخواهی و سودجویی خود را در لباس شرافت و افتخار می‌پوشاند و مردم ساده دل را به جان فشانی بی دریغ بی می‌انگیزد»<sup>۳</sup>.

بی‌پایگی منطقه مارکسیسم در تبیین جنگ بنا بر شواهد عقلی و تاریخی واضح است و چون هدف ما در این مقاله تجزیه و تحلیل نظریات و آراء مربوط به جنگ نیست از این امر می‌گذریم.

برخی از نویسندگان و متفکران اجتماعی علت جنگ را در ازدیاد جمعیت و یا اختلاف فشار جمعیتی جستجو می‌کنند، اگر چه این عقیده در بین برخی از صاحب‌نظران دارای اعتبار است ولی با محک تجربه، صحیح از آب در نمی‌آید. در همین زمینه گفته شده است: «جنگ نیز مانند باد و طوفان، در نتیجه اختلاف فشار جمعیتی رخ می‌دهد نه در اثر فشار جمعیتی، جنگ ۱۹۱۴ و جنگ ۱۹۴۰ در نتیجه انحطاط جمعیتی فرانسه در برابر رشد جمعیت آلمان زمینه مساعدی پیدا کرد. و بالاخره این که فشار جمعیتی در صورتی که با فقر توأم باشد کمتر از فشار متعادل به جنگ رخصت خود نمایی می‌دهد، چرا که در جمعیت متعادل امکان فراهم آوردن ذخایر ضروری و تسهیلات لازم برای تولید تسلیحات و مواد غذایی که از ضروریات عملیات جنگی است وجود دارد»<sup>۴</sup>.

در مورد اثرات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جنگ نیز نظریاتی اظهار شده است، عده‌ای بر خدمات ناشی از جنگ اصرار می‌ورزند و برخی صدمات و لطمات ناشی از آن را در خور توجه می‌دانند، برخی جنگ را باعث تحریک جامعه

۳- ح. آریانبور: زمینه جامعه‌شناسی، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی و کتابفروشی دهخدا، نشر هفتم، ۱۳۵۳، ص ۳۸۸.

۴- آلفرد سووی: مالتوس و دو مارکس، ترجمه ابراهیم صدقیانی، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷، ص ۳۳-۳۲.

و تسریع تکامل اجتماعی دانسته و آن را موجب یگانگی جوامع می دانند. از این میان می توان به نظریات آگوست کنت (A.Comte) و هربرت اسپنسر (H.Spencer) که از جامعه شناسان مشهور غربی هستند اشاره نمود. طبق نظر کنت: «در مراحل اولیه، هیچ وسیله دیگری نبود که هم گسترش ناگزیر جامعه انسانی را ممکن سازد و هم در داخل جامعه، از شوق بی حاصل جنگ طلبی که با رشد عادی کار تولیدی ناسازگار بود جلوگیری کند، مگر این که همه جمعیت های متمدن در قالب یک ملت فاتح ادغام شوند» به همین نحو اسپنسر استدلال می کرد که در مراحل نخستین توسعه، جامعه هایی بیشتر احتمال بقا داشتند که مؤثرترین سازمان جنگی را ترتیب داده بودند: «آن نوع اجتماعی که از طریق بقای انطباق به وجود خواهد آمد، نوعی خواهد بود که در سازمان آن، بخش جنگاوران، هم کسانی را که می توانند اسلحه حمل کنند و از این حیث مورد اعتماد باشند در برخواهد گرفت و بخش باقیمانده به صورت یک بخش تدارکاتی دایمی در خواهد آمد»<sup>۵</sup>.

در باره اثرات اجتماعی جنگ از جمله گفته شده است که جنگ عامل انتخاب اجتماعی است و معلوم می کند چه کسانی باید باقی بمانند، پاره ای این امر را موجب اصلاح نژاد بشر و جمعی باعث فاسد شدن آن می دانند. گفته اند که جنگ آزمایش لیاقت و سازگاری گروه ها و ملت ها است، بزخی این آزمایش را به دیده تحسین می نگرند و برخی دیگر نتیجه آن را کاملاً زیان بخش می دانند. جمعی مدعی هستند که جنگ عالی ترین صفات را در انسان زنده می کند و بعضی دیگر می گویند فرومایگی و بی رحمی در آدمی پدید می آورد. عده ای می گویند که جنگ داروی تقویت کننده اخلاق ملتها و شفا بخش بی حسی جانکاه ناشی از صلح است، عده ای

۵- تی.بی. باتومور: جامعه شناس، ترجمه سید حسن منصور و سید حسن حسینی کله جاهی، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، چاپ اول، ۱۳۵۵، ص ۲۴۹-۲۵۰.

دیگر بدانها پاسخ می دهند که اگر ما در پی بی حسی اجتماعی باشیم در دوره پس از جنگ آسانتر می توانیم آن را بیابیم تا پیش از آن، برخی جنگ را سرچشمه بزرگی همبستگی اجتماعی قلمداد می کنند و می گویند که جنگ مردم را در کوره فداکاری یک رنگ می سازد اما پاسخ اینان نیز این طور داده شده است که جنگ عامل بزرگ تفرقه نیز هست. گذشته از این موارد، سخنان دیگری نیز درباره خدمات جنگ گفته شده است از آن جمله سخنان حماسه مانند هگل است که می گوید دولت باید اساس جامعه را در جنگ زیور و کند زیرا «جنگ روح و قالبی است که در آن جلوه اساسی جوهر اخلاق، یعنی آزادی مطلق خودآگاهی از قید تمام هستی و از هر نوع هستی، کاملاً تأیید می شود و تحقق می یابد»<sup>۶</sup>.

همانطور که ملاحظه می شود در نظریاتی که درباره اثرات جنگ ابراز شده است عده ای فواید آن و برخی مضار آن را متذکر شده اند. البته ایجاد این فواید یا مضار بستگی به ماهیت جنگ در جوامع مختلف دارد، به نظر ما جنگ با ماهیتی خاص می تواند موجب بروز فواید و خدمات ذکر شده گردد، اگر چه همین جنگ با ماهیتی دیگر قادر است مضار فوق الذکر را در برخی از جوامع ایجاد نماید.

اسلام در مورد جنگ دیدگاه خاص خود را دارد. اگر چه هدف اصلی ما در این مقاله ارائه این دیدگاه به طرز نسبتاً مفصل تری می باشد. قبل از پرداختن به این امر، ابتدا دیدگاه کلی اسلام را نسبت به جنگ ذکر کرده و سپس به مطالعه مفصلتر آن می پردازیم. در بیان دیدگاه کلی اسلام نسبت به جنگ مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر گرانقدر المیزان می فرماید: مسأله جنگ وجدال و اختلافاتی که منجر به جنگ های خسارت زا می شود امری است که در مجتمعات بشری گریزی از آن نبوده

وخواه ناخواه پیش می‌آید و اگر این امر قهری نبود انسان در خلقتش به قوایی که جز در مواقع دفاع به کار نمی‌رود از قبیل غضب و شدت و نیروی فکری مجهز نمی‌شد. پس این که می‌بینیم انسان به چنین قوایی در بدن و در فکرش مجهز است خود دلیل بر این است که وقوع جنگ اجتناب پذیر نیست، و چون چنین است به حکم فطرت، بر جامعه اسلامی واجب است که همیشه و در هر حال تا آن جا که می‌تواند و به همان مقداری که احتمال می‌دهد دشمن مجتمع صالحش مجهز باشد، خود را مجهز کند.<sup>۷</sup>

اکنون می‌پردازیم به بحث اصلی خود، یعنی جنگ از دیدگاه قرآن:

همزمان با فرا رسیدن پنجمین سال جنگ تحمیلی رژیم کافر عراق علیه ایران و گذشت چهار سال مداوم از این پیکار که به عنوان جهادی مقدس و دفاعی مشروع نه تنها برای ملت مسلمان ایران، بلکه برای تمامی اُمت مسلمان جهان به شمار می‌رود، جنگی که در حقیقت یکی از چهره‌های معاصر مقابله و مبارزه همیشگی «نور» و «ظلمت» و «اسلام» و «کفر» در تمامی طول تاریخ بشریت و اسلام می‌باشد، جنگی که ضمن آن استکبار جهانی به صف آراییی در مقابل انقلاب اسلامی پرداخته و به مقابله خصم آمیز با جرقه مشتعل نور امیدی که مژدگانی ایجاد جامعه انسانی اسلام و محو و نابودی امپریالیسم و استکبار جهانی را به ارمغان آورده است، برخاسته، در صدد آنیم تا در مقاله ای - هر چند به طور مختصر و گذرا - تا اندازه‌ای مبانی ایدئولوژیک این جنگ را از دیدگاه اسلام به بحث بگذاریم.

هدف ما از این بحث این است، تا با بیان دیدگاه قرآن در مورد شرایط ایجاد

۷- علامه سید محمد حسین طباطبائی: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، تهران، کانون انتشارات محمدی، چاپ سوم، ۱۳۶۳، ص ۱۷۹.

جنگ و خصائص دشمنان اسلام که قرآن در آیات مختلف آنها را مشخص نموده و طی آن آیات، جهاد را واجب دانسته و مسلمین را امر به پیکار و مبارزه علیه آنان فرموده است، روشن نماییم که رژیم فعلی عراق و شرایطی که آن رژیم بر ایران اسلامی و سایر مسلمانان تحمیل نموده، بخصوص جنگی را که علیه اسلام آغاز کرده و دفاعی که ایران چهار سال مداوم بدان اشتغال داشته است، مصداق بارز و آشکار جهاد مقدسی است که اسلام متصور ساخته است.

می‌خواهیم روشن‌گر این مطلب باشیم که رژیم کنونی عراق و موضع‌گیری‌های آن طی جنگ تحمیلی مصداق بارز کفار و مشرکینی است که خداوند مسلمانان را به مبارزه با آنان امر فرموده و جمهوری اسلامی ایران و موضع‌گیری‌های آن طی این جنگ، مصداق آشکار جامعه اسلامی و خط‌مشی است که از طرف خداوند متعال برای دفاع از خویش و امر جهاد بر مسلمانان مقرر گشته است.

روشن است که از راه‌های مختلف می‌توان به این مهم پرداخت، ما در این مقاله از میان این طرق، مهم‌ترین و مستندترین آن، یعنی قرآن مجید را برگزیده‌ایم که اینک بدان می‌پردازیم.

در متون اسلامی نسبت به امر پیکار و مبارزه که با تعابیری همچون «جهاد» و «قتال» مشخص شده، توجه فراوانی مبذول گشته و از آن جا که این امر به عنوان یکی از واجبات دینی به شمار می‌رود و در اسلام دارای اهمیت شایان توجهی است، مباحث فراوانی در باره آن از دیدگاه‌های مختلف به عمل آمده، قرآن و کتب حدیث اعم از عامه و خاصه، مکرراً در مناسبات مختلف به بیان جنبه‌های گوناگون «جهاد» از قبیل: اهمیت آن، شرایط ایجاد جنگ و صلح و مسائلی از این قبیل پرداخته‌اند. ما در این نوشته - هر چند به طور مختصر - به مطالعه دیدگاه قرآن در مورد جنگ از راه مطالعه آیاتی که در این زمینه وجود دارد می‌پردازیم. این آیات را از این لحاظ که هر-

کدام به بیان جنبه ای از امر جهاد پرداخته اند، می توان به چند دسته تقسیم کرد. برای انتظام در بحث، از طریق این دسته بندی بحث خویش را شروع می کنیم.

۱- یک دسته از آیات، آنهایی هستند که مسلمانان را امر به جهاد و کارزار کرده و آن را به عنوان یکی از وظایف آنان شمرده و گروههایی را که مسلمین باید با آنان مبارزه کنند مشخص می نمایند. این آیات عبارتند از:

۱- ۱- آیاتی که پیامبر و مسلمین را امر به جهاد کرده و آن را واجب ساخته است:

اگر چه این مطلب در آیات دیگر نیز به چشم می خورد ولی آیات زیر به طور اخص شامل این موضوع می باشد:

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ، وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ.<sup>۸</sup>

حکم جهاد برای شما مقرر گردید و حال آن که بر شما ناگوار و مکروه است ولیکن چه بسیار شود که چیزی را شما ناگوار شمارید ولی بحقیقت خیر و صلاح در آن بوده و چه بسیار شود که چیزی را دوست دارید و در واقع شر و فساد شما در آن است و خداوند بر مصالح امور داناست و شما نادانید.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ.<sup>۹</sup>

ای پیامبر، مؤمنان را به جنگ و کارزار تشویق کن.

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ.<sup>۱۰</sup>

و با کافران جهاد کنید تا فتنه و فساد از روی زمین بر طرف شود و همه را آیین،

دین خدا باشد.

۹- انفال: ۶۵ و نیز نساء: ۸۴.

۸- بقره: ۲۱۶.

۱۰- بقره: ۱۹۳ و نیز انفال: ۳۹.

۱-۲ - آیاتی که هدف کلی مبارزه و جهاد اسلامی را مشخص می نماید، یعنی «سبیل الله». بنابراین آیات، مسلمین باید برای رسیدن به این هدف و به منظور جلوگیری از ایجاد موانعی که در این راه وجود دارد، به مبارزه برخیزند:

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلِّمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ. ۱۱

و جهاد کنید در راه خدا و بدانید که خدا به گفتار و کردار خلق شنوا و داناست.

الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الظَّالِمِينَ. ۱۲

اهل ایمان در راه خدا و کافران در راه شیطان جهاد می کنند.

فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلِّفُ الْإِنْسَانَ إِلَّا نَفْسَهُ وَحَرْصِ الْمُؤْمِنِينَ. ۱۳

(ای پیامبر) تو خود تنها در راه خدا به کارزار برخیز که جز شخص تو بر آن

مکلف نیست و مؤمنان را نیز ترغیب کن.

فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ. ۱۴

مؤمنان باید در راه خدا با آنان که حیات مادی دنیا را بر آخرت گزیدند جهاد

کنند.

۳-۱ - آیاتی که دشمنان اسلام را با بیان خصائص و ویژگی های عمده آنان

مشخص نموده است. بر اساس این آیات، مسلمانان موظف شده اند تا با گروههایی

که دارای ویژگی ها و صفات زیر می باشند، به جنگ برخیزند:

۱-۳-۱ - گروههای محارب و مفسد:

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ، أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ، ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ. ۱۵

۱۳ - نساء: ۸۴.

۱۲ - نساء: ۷۶.

۱۱ - بقره: ۲۴۴.

۱۵ - مائده: ۳۳.

۱۴ - نساء: ۷۴.

همانا کیفر آنان که با خدا و رسول او به جنگ برخیزند و در زمین به فساد بکوشند، جز این نباشد که آنها را به قتل رسانیده یا به دار کشند و یا دست و پایشان به خلاف ببرند یا به نفی بلد و تبعید از سرزمین صالحان دور کنند، این ذلت و خواری عذاب دنیوی آنهاست، اما در آخرت به عذابی بزرگ معذب خواهند بود.

۲- ۳- ۱- گروههای بی ایمان که به محرمات اسلام وقعی نمی نهند (تازمانی که تسلیم قوانین اسلام نشده اند):

قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ، حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ. ۱۶

(ای اهل ایمان) با هر کس که ایمان به خدا و روز قیامت نیاورده و آنچه خدا و رسولش حرام کرده، حرام نمی دانند و به دین حق و آیین اسلام نمی گروند، قتال و کارزار کنید تا آن گاه که با ذلت و تواضع به اسلام جزیه دهند.

۳- ۳- ۱- دوستان و هواداران شیطان: *تیر علوم سردی*

فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ، إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا. ۱۷

(ای اهل ایمان) با دوستان شیطان بجنگید که مکر شیطان بسیار سست و ضعیف است.

۴- ۳- ۱- مادی گرایان:

فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ، فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا. ۱۸

(مؤمنان) باید در راه خدا با آنان که حیات مادی دنیا را بر آخرت گزیدند جهاد کنند و هر کس در جهاد به راه خدا کشته شد یا فاتح گردید، زود باشد که او را اجری

۱۷- نساء: ۷۶.

۱۶- توبه: ۲۹.

۱۸- نساء: ۷۴.

عظیم دهیم.

۵-۳-۱- کافران، مشرکین و منافقین:

فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَاداً كَبِيراً.<sup>۱۹</sup>

پس تو هرگز تابع کافران مباش و با آنها (چنانچه مخالفت قرآن و دین حق کنند) سخت جهاد و کارزار کن.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوِيَهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ.<sup>۲۰</sup>

ای پیامبر با کافران و منافقان جهاد و مبارزه کن و بر آنها بسیار سخت گیر، جایگاه آنها دوزخ است و بسیار بد منزلگاهی خواهد بود.

در سوره توبه پس از آنکه شرایط اسلام را برای مصالحه با کفار بیان می فرماید، در مورد آنان که با این شرایط موافقت ننموده و با اسلام به ستیزه جویی می پردازند، دستور جهاد و مقاتله داده و می فرماید:

وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً.<sup>۲۱</sup>

و متفقاً همه با مشرکان قتال و کارزار کنید چنانکه مشرکان نیز همه متفقاً با شما به جنگ و خصومت بر می خیزند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ.<sup>۲۲</sup>

ای اهل ایمان، با کافران از هر که به شما نزدیکتر است شروع به جهاد کنید و باید کفار در شما درشتی و نیرومندی و قوت و پایداری حس کنند و بدانند که خدا همیشه یار پرهیزکاران است.

۲۰- توبه: ۷۳ و نیز تحریم: ۹.

۱۹- فرقان: ۵۱.

۲۲- توبه: ۱۲۳.

۲۱- توبه: ۳۶.

فَإِذَا أَنْسَلَخَ الْأَشْهُرَ الْحُرُمَ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ  
وَاحْضَرُوهُمْ وَأَفْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ  
إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ. ۲۳

پس از آنکه ماههای حرام (که مدت امان است) در گذشت، آنگاه مشرکان را هر جا بیابید به قتل رسانید و آنها را دستگیر و محاصره کنید و هر سودر کمین آنها باشید، چنانچه از شرک توبه کرده و نماز برپای داشتند و زکات دادند، پس از آنها دست بردارید (و توبه آنان را بپذیرید) که خدا آمرزندهٔ مهربان است.

وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجْتُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ  
الْقَتْلِ، وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ، فَإِن قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ  
كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ. ۲۴

هر جا مشرکان را دریافتید به قتل رسانید و از شهرهایشان برانید چنانکه آنان شما را از وطن آواره کرده و فتنه گری که آنها کنند سخت تر و فسادش بیشتر از جنگ است و در مسجد الحرام با آنها قتال نکنید مگر آنکه آنها پیشدستی کنند، در این صورت رواست که در حرم آنها را به قتل رسانید، این است کیفر کافران.

دوآیهٔ فوق علاوه بر این که مسلمانان را امر به جهاد و مبارزه با مشرکین می فرماید، شرایط حاکم بر این کارزار را نیز مشخص فرموده است. چنانکه در آیهٔ ۵ سورهٔ توبه ادامهٔ پیکار را تا توبهٔ مشرکین و قبول اسلام از طرف آنان مجاز دانسته است و در آیهٔ ۱۹۱ سورهٔ بقره امر به نوعی «مقابله به مثل» می نماید، بدین ترتیب که نفی بلد مشرکین در مقابل مؤمنین از مواظبتشان مجاز دانسته شده و کارزار با آنها با آن که در خانهٔ خدا حرام است ولی اگر به صورت مقابله به مثل باشد و مشرکین در این

۲۳- توبه: ۵.

۲۴- بقره: ۱۹۱.

مکان مقدس شروع به کشتار مؤمنین کنند، مسلمانان نیز اجازه دارند به مقابله به مثل پرداخته و از خویش دفاع نمایند. بنابراین می توان چنین استنتاج کرد که اگر هدف مسلمانان از کارزار دفاع باشد در هر گونه شرایط زمانی و مکانی - ماههای حرام و اماکن مقدسه - انجام این امر برای آنها مجاز بوده و به عنوان وظیفه ای دینی بر عهده شان گذاشته شده است.

۶- ۳- ۱- ظالمین و ستمگران:

أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ.<sup>۲۵</sup>

رخصت (جنگ با دشمنان) به جنگجویان اسلام داده شده زیرا آنها از دشمن ستم کشیده و خدا بر یاری آنها قادر است.

قرآن کریم در آیه بعد، نوع ظلم و ستمی را که بر اهل ایمان رفته و به موجب آن کارزار بر آنها جایز شده است را چنین بیان می فرماید:

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَبِئْسَ مَا يَكْتُمُونَ  
لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ.<sup>۲۶</sup>

آن مؤمنانی که (به ظلم کفار) به ناحق از خانه هاشان آواره شده و جز آن که می گفتند پروردگار ما خدای یکتاست (جرمی نداشتند) و اگر خدا رخصت جنگ ندهد و دفع شر بعضی از مردم را به بعضی دیگر نکند، همانا صومعه ها و دیر و کنشها و مساجدی که در آن نماز و ذکر خدا بسیار می شود همه خراب و ویران می شد و هر که را خدا یاری کند، البته خدا او را یاری خواهد کرد که خدا را منتهای اقتدار و توانایی است.

۲۵- حج: ۳۹.

۲۶- حج: ۴۰.

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ  
الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا  
وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا<sup>۲۷</sup>.

چرا در راه خدا جهاد نمی کنید در صورتی که جمعی ناتوان از مرد و زن و  
کودک دایم می گویند بارخدایا ما را از این شهری که مردمش ستمکارند بیرون آور و  
از جانب خود برای ما بیچارگان نگهدار و یآوری فرست.

وَإِنْ ظَاهِرْتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ افْتَتَلُوا، فَأُضِلُّوهُمَا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى  
الْأُخْرَى، فَقاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ، فَإِنْ فَاءَتْ فَأُضِلُّوهُمَا بِالْعَدْلِ  
وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ<sup>۲۸</sup>.

و اگر دو طایفه از اهل ایمان با هم به قتال برخیزند البته شما مؤمنان بین آنها  
صلح برقرار دارید و اگر یک قوم بر دیگری ظلم کرد با آن طایفه ظالم قتال کنید تا به  
فرمان خدا بازآید (و ترک ظلم کند) پس هر گاه به حکم حق برگشت با حفظ عدالت  
میان آنها صلح دهید و همیشه (باهر دوست و دشمنی) عدالت کنید که خدا بسیار اهل  
عدل و داد را دوست می دارد.

۷-۳-۹ - ملعونین و تبهاران:

مَلْعُونِينَ اِتِّمَاتُوا أُخِدُوا وَ قَتَلُوا قَتِيلًا<sup>۲۹</sup>.

مردم پلید بدکار را هر جا یافت شوند باید آنان را گرفته و جدأ به قتل رسانید.  
باتوجه به آیه ماقبل، منظور از این افراد پلید و بدکار منافقینی بوده اند که در  
مدینه بر ضد اسلام تبلیغ می کرده اند که خداوند مسلمانان را امر به محاربه و پیکار با  
آنان فرموده است.

۲۸- حجرات: ۹.

۲۷- نساء: ۷۵.

۲۹- احزاب: ۶۱.

۸-۳-۱- پیمان شکنان:

وَأَنْ تَكُونُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعْنَا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ، إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ.<sup>۳۰</sup>

وهرگاه آنها سوگند وعهدی که بسته اند بشکنند و در دین شما تمسخر و طعن زنند در این صورت با آن پیشوایان کفر و ضلالت کارزار کنید که آنها را عهد و سوگند استواری نیست، باشد که بس کنند.

أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَوُكُمْ أَوْلَىٰ مَرَّةً.<sup>۳۱</sup>

آیا با قومی که عهد و پیمان خود را شکستند و اهتمام کردند که رسول خدا را از شهر و وطن خود بیرون کنند قتال و کارزار نمی کنید؟ در صورتی که آنها اول بار به دشمنی و قتال شما برخاستند.

۴- ۱- آیاتی که شرایط ایجاد جهاد و کارزار را برای مؤمنین مشخص می نماید.

بدیهی است، اسلام دینی نیست که پایه و اساس آن بر جنگ و خونریزی گذاشته شده باشد، بلکه در حقیقت باید گفت که پایه و اساس این دین بر صلح و دوستی استوار گردیده است. طبق نص صریح قرآن، در اسلام، صلح و دوستی بهتر از جنگ و خونریزی می باشد.<sup>۳۲</sup> اما با توجه به رفتاری که افراد و گروههای مختلف غیر مسلمانان با مسلمین و در مقابله با اسلام اتخاذ می کنند، مسلمین نیز ناچار باید با این گونه رفتارها، مقابله نموده و به جهاد برخیزند. این مطلب اگر چه در برخی از آیات قبل مشخص شده است، اما به منظور تعیین دقیق تر این شرایط که در قبایل مسلمانان ایجاد می شود و خداوند به هنگام بروز این شرایط آنان را امر به جهاد و

۳۱- توبه: ۱۳.

۳۰- توبه: ۱۲.

۳۲- والصلح خیر (نساء: ۱۲۸).

مبارزه نموده است که اینک به مطالعه آنها می پردازیم.

۱ - ۴ - ۱ - متجاوزین به اسلام و جامعه اسلامی (سیاست مقابله به مثل و دفاع):

یکی از عمده ترین مواردی که خداوند مسلمین را امر به جهاد فرموده، مقابله به مثل و دفاع از اُمت اسلامی می باشد، به این معنا که اگر دشمنان اسلام با مسلمین به ستیزه جویی برخیزند مسلمانان موظفند با آنها به جهاد برخاسته و در مقابل رفتار خصمانه دشمن از خود دفاع نمایند. این معنا قبلاً در برخی از آیات مورد مطالعه مشخص شده بود یعنی آیات: بقره: ۱۹۱ و توبه: ۳۶، علاوه بر این در آیات دیگری نیز این اصل بیان شده است:

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ. ۳۳

در راه خدا با آنان که به جنگ و دشمنی برخیزند جهاد کنید، لیکن ستمکار

نباشید که خدا ستمگر را دوست ندارد.

لَا يَنْهَيْكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوا فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ

تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ. ۳۴

خداوند شما را از دوستی آنان که با شما در دین قتال و دشمنی نکرده و شما را

از دیارتان بیرون ننموده اند، نهی نمی کند تا بیزاری از آنها جویند، بلکه با آنها به

عدالت و انصاف رفتار کنید که خدا مردم با عدل و داد را بسیار دوست می دارد.

در آیه بعد نیز این امر تأکید شده و دستور قتال با کسانی صادر شده که به جنگ

با مسلمین برخاسته اند:

إِنَّمَا يَنْهَيْكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا

عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَاُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ. ۳۵

۳۴ - مستحبه: ۸.

۳۳ - بقره: ۱۹۰.

۳۵ - مستحبه: ۹.

تنها شما را از دوستی کسانی نهی می کند که در دین با شما قتال کرده و از وطنشان بیرون کردند و بر بیرون کردن شما همدست شدند تا آنها را دوست نگیرید کسانی از شما که با آنان دوستی و یابوری کنند بحقیقت ظالم و ستمکارند.

۲- ۴- ۱- مخالفت با دین خدا:

مسلمانان با آن دسته از مشرکینی که علیه اسلام و تعالیم عالیۀ آن به مبارزه برخاسته و در صدد ایجاد موانعی در راه اجرای اهداف عالیۀ اسلام باشند مبارزه و پیکار کنند و در صورتی که این گروهها به زندگی مسالمت جویانه پرداخته و به مخالفت با اسلام بر نخیزند و در جامعه اسلامی، قوانین این دین را محترم شمرند، مورد تعرض مسلمانان قرار نخواهند گرفت. این معنا در آیه ۹ سوره توبه که قبلاً مطالعه شد، مشهود است، بعلاوه در آیه زیر نیز همین معنا را بیان فرموده است:

فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وِلِيَاءَ وَلَا نَصِيرًا. ۳۶

پس آنان (کافران) را تا در راه خدا هجرت نکنند دوست نگیرید و اگر مخالفت کردند آنها را هر کجا یافتید به قتل رسانید و از آنها یاور و دوستی نباید اختیار کنید.

۳- ۴- ۱- نفاق با مؤمنین و اذیت و آزار آنها:

سَتَجِدُونَ آخِرِينَ يُرِيدُونَ أَن يَأْمَنُوا بَكُمْ وَيَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلَّمَا رُزِّقُوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكَسُوا فِيهَا فَإِن لَّمْ يَعْزِلُوا لَمْ يَعْزِلُوا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ وَ يَكْفُرُوا بِأَيْدِيهِمْ، فَخُذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَأَوْلِيَّكُمْ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا. ۳۷

گروهی دیگر را خواهید یافت که می خواهند از شما (به اظهار اسلام) و از قوم خود (به اظهار کفر) ایمنی یابند و هرگاه که راه فتنه گری و شرک بر آنها باز شود به

۳۶- نساء: ۸۹.

۳۷- نساء: ۹۱.

کفر خود باز کردند، پس اگر از (فتنه انگیزی و نفاق) با شما کناره نگرفتند و تسلیم نشدند و از آزار شما دست نکشیدند، در این صورت آنها را هر جا یافتید گرفته و به قتل رسانید، ما شما را بر جان و مال این گروه تسلطی کامل بخشیدیم.

۴ - ۴ - ۱ - کسانی که جنگ با آنها جایز نیست:

همان طور که قبلاً گفتیم یکی از شرایطی که مسلمین را وادار به جهاد با کافران می کند، پیمان شکنی آنها می باشد بنابراین اجازه جنگ با آن دسته از کافران که به مسلمانان پناهنده شده و یا با آنان عهد و پیمان بسته اند داده نشده است و خداوند مسلمانان را سفارش به صلح و همزیستی با این دسته از غیرمسلمانان فرموده است:

إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاؤُكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يُقَاتِلُوكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطْنَا عَلَيْهِمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتِلُوكُمْ فَإِنْ اعْتَرَلُوكُمْ فَلَمَّ يُقَاتِلُوكُمْ وَالْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا. ۳۸

مگر آنان، به قومی که میان شما با آنها عهد و پیمانی است پیوسته باشند یا این که بر این عهد نزد شما آیند که از جنگ با شما و با قوم خودشان که دشمنان شما هستند هر دو خودداری کنند و از جنگ دلتنگ باشند، با این دو طایفه از کافران که در حقیقت به شما پناهنده اند نباید قتال کنید و اگر خدا می خواست آنها را بر شما مسلمین مسلط می کرد تا با شما قتال می کردند. پس هرگاه از جنگ با شما کناره گرفتند و تسلیم شدند در این صورت خدا برای شما علیه آنها راهی نگشوده (جان و مالشان را بر شما مباح نکرده).

وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ اتَّبِعْهُ مَأْتَهُ، ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ. ۳۹

۳۸ - نساء: ۹۰.

۳۹ - توبه: ۶.

و هرگاه یکی از مشرکان به تو پناه آورد که از دین آگاه شود به او پناه ده تا کلام خدا بشنود و پس از شنیدن سخن خدا او را بی هیچ خوف به مأمّن و منزلش برسان زیرا که این مشرکان مردمی نادانند (اگر ایمن شده و آیات خدا بشنوند، باشد که ایمان آورند).

بنابراین خداوند مسلمانان را با گروههایی از مشرکان و کافران امر به مصالحه و همزیستی مسالمت آمیز فرموده است، این گروهها عبارتند از: کسانی که به مسلمانان حمله و تجاوز نمی کنند، کسانی که با دین خدا به مخالفت برنخیزند، آنهایی که به اجرای سیاست نفاق و اذیت و آزار مسلمین نپردازند، کسانی که با مسلمانان پیمانی بسته و بر پیمان خود استوار مانده و یا به آنها پناهانده شده اند، آنها که به قوانین اسلامی احترام گذاشته و به پرداخت جزیه می پردازند و کسانی که توبه کرده و تسلیم دین خدا شده<sup>۴۰</sup> و دست از کفر و نفاق بردارند.

۲- یک دسته دیگر از آیات قرآن کریم، آنهایی هستند که مسلمانان را به جهاد تشویق کرده و این امر را به عنوان یکی از صفات برجسته مؤمنین و یکی از ملاکهای علو درجه در اسلام می دانند. این جا به بیان این قبیل آیات می پردازیم:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُومٌ. ۴۱

خدا آن مؤمنان را که در صف جهاد کافران مانند سد آهنین همدست و پایدارند بسیار دوست می دارد.

در دو آیه ذیل خداوند مجاهدین را نه تنها مؤمنین حقیقی دانسته بلکه آنان را نزد خداوند متعال دارای مقامی والا معرفی می نماید:

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُم

۴۰- توبه: ۱۱.

۴۱- صف: ۴.

الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ. ۴۲

و آنان که ایمان آوردند و هجرت گزیدند و در راه خدا کوشش و جانفشانی کردند و هم آنان که مهاجران را منزل دادند و از آنها یاری کردند، آنها بحقیقت اهل ایمانند و هم آموزش خدا و روزی نیکوی بهشتی مخصوص آنهاست.

الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ. ۴۳

آنان که ایمان آوردند و از وطن هجرت گزیدند و در راه خدا به مال و جانشان جهاد کردند آنها را نزد خدا مقام بلندی است و آنان بالخصوص رستگاران و سعادت‌مندان دو عالمند.

در این آیه جهاد و کشته شدن در راه خدا راسب چشم پوشی از گناهان مسلمانان و دخول آنها در بهشت جاودان دانسته است:

وَقَاتِلُوا وَقَاتِلُوا لَمْ يَكْفُرْ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَا دَخَلْنَاهُمْ جَنَّتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ، وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ. ۴۴

(آنهایی که) جهاد کرده و کشته شدند، همانا بدیهای آنان را بپوشانیم و آنها را به بهشت‌هایی در آوریم که زیر درختانش نهرها جاری است، این پاداش از جانب خدا و نزد خداست پاداش نیکو.

در آیه دیگر خداوند خود را به عنوان خریدار جان و مال مؤمنین در قبال بهشت جاودان معرفی کرده و می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ، يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ. ۴۵

۴۳ - توبه: ۲۰.

۴۵ - توبه: ۱۱۱.

۴۲ - انفال: ۷۴.

۴۴ - آل عمران: ۱۹۵.

خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده، آنها در راه خدا جهاد می کنند که دشمنان دین را به قتل برسانند و یا خود کشته شوند.

و در آیه زیر، قرآن بین خدا، رسول و جهاد در راه خدا با جوانب مادی زندگی دنیا و دلپستگی های آن مقایسه کرده و آنها را بر تمامی لذات دنیوی مرتجح دانسته است:

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ، فَتَرْبِضُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ. ۴۶

بگوی مردم اگر شما پدران و پسران و برادران و زنان و خویشاوندان خود را و اموالی که جمع آورده اید و مال التجاره ای که از کسادی آن بیمناکید و منازلی که به آن دل خوش داشته اید بیش از خدا و رسول و جهاد در راه او دوست می دارید، منتظر باشید که امر نافذ (و قضای حتمی) خدا جاری گردد و خدا فاسقان و بدکاران را هدایت نخواهد کرد. مرکز تحقیقات مپویر علوم اسلامی

آیاتی از قرآن کریم، کشته شدگان در راه خدا را زنده دانسته و شهادت را بر تمامی تنعمات مادی ترجیح می دهد و از این طریق مؤمنان را به جهاد و شهادت تشویق می فرماید، از آن جمله است:

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ. ۴۷  
السته مپندارید که شهیدان راه خدا بمردند، بلکه زنده به حیات ابدی شدند و در نزد خدا متعم خواهند بود.

وَأَنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ. ۴۸

۴۶- توبه: ۲۴.

۴۷- آل عمران: ۱۶۹ و نیز این آیات: محمد: ۴، حج: ۵۸، بقره: ۱۵۴، نساء: ۷۴ و حدید: ۱۰.

۴۸- آل عمران: ۱۵۷ و نیز آل عمران: ۱۵۸.

(ای اهل ایمان) اگر در راه خدا کشته شده یا بمیرید در آن جهان به آمرزش و رحمت خدا نایل شوید و آن بهتر از هر چیزی است که در حیات دنیا برای خود فراهم توان آورد.

در آیاتی که در این قسمت تا این جا مورد مطالعه قرار گرفت، نوعاً خداوند مؤمنین را تشویق به جهاد و مبارزه در راه خویش فرموده است، در آیه زیر این امر به صورت دیگری متجلی است و آن نسبت دادن غضب و خشم خداوند به کسانی است که در صحنه کارزار از دشمن ترسیده و از او روی برگردانند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُولُوهُمُ الْآدْبَارَ. وَمَنْ يُؤَلِّمُ  
بِمَاؤُهُ دُؤْبَرَ إِلَّا مَتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَ  
بِئْسَ الْمَصِيرُ.<sup>۴۹</sup>

ای اهل ایمان، هرگاه با تهاجم و تعرض کافران در میدان کارزار روبرو شوید، مبادا از بیم آنها پشت کرده و از جنگ بگریزید. هر که در روز جنگ به آنها پشت نمود و فرار کرد به طرف غضب و خشم خدا روی آورده و جایگاهش دوزخ که بدترین منزل است، خواهد بود.

۳ - گروهی از آیات قرآن کریم بیانگر امدادهای غیبی در پشتیبانی از مسلمین در جنگ بوده و مؤذنه نصرت و یاری خداوند را به مؤمنین می دهند. امدادهای غیبی و نصرت و یاری خداوند به صورت مختلفی می باشد که خداوند این صور را در آیات متعددی از قرآن مجید بیان فرموده است، ما در این جا به مطالعه عمده ترین اشکال امدادهای غیبی می پردازیم.

خداوند در آیات متعددی بشارت و وعده پیروزی نهائی به مؤمنین را داده و کفار

و مشرکین را نهایتاً ذلیل و شکست خورده می داند، این امر به عنوان یکی از سنن الهی قلمداد شده، سننی که تغییر ناپذیرند. نمونه ای از این نوع آیات عبارتند از:

لَنْ يَضُرَّوْكُمْ إِلَّا أَذًى وَإِنْ يُقَاتِلُواكُمْ بُوْءُكُمْ الْأَذْبَارُ ثُمَّ لَا يُنصِرُونَ. ۵۰

هرگز (دشمنان اسلام) آسیب و زیان سخت به شما نتوانند رسانید مگر آن که از نکوهش و یاوه سرایی اندکی شما را بیازارند و اگر به کارزار شما آیند از جنگ خواهند گریخت و از این وقت هیچ وقت پیروز نخواهند بود.

وَلَوْ قَاتَلَكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَذْبَارُ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا. سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا. ۵۱

و اگر کافران با شما مسلمین به جنگ برخیزند، از قتال شما پشت برگردانیده و فرار کنند و دیگر هیچ یاور و ناصری برای خود نیابند. سنت الهی و قانون نظام الهی بر این بوده (که حق بر باطل پیروز شود) و ابدأ در این سنت خدا تغییری نخواهی یافت.

در آیه ای دیگر، خداوند پیروزی نهایی را با وجود کمی تعداد مجاهدین، برای مؤمنین مسلم دانسته و فرموده در صورتی که تعداد شما نصف کافران باشد، باز هم بر آنها غلبه خواهید کرد. بنابراین مشخص می شود که عامل پیروزی در جهاد تنها کمیت و تعداد نفرات نبوده بلکه عامل اصلی، صبر و ایمان مؤمنان است که دشمنان اسلام فاقد آن هستند.

فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ، وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ. ۵۲

پس اگر صد نفر صبور و پایدار باشید بر دو یست نفر و اگر هزار نفر بر دو هزار نفر

۵۱ - فتح: ۲۲ و ۲۳.

۵۰ - آل عمران: ۱۶۱

۵۲ - انفال: ۶۶.

به اذن خدا غالب خواهید شد، و خدا با صابران (اهل ایمان) است.

با در نظر داشتن این که خداوند در آیه ما قبل آیه فوق، این تفاوت تعداد مؤمنین با کافران را ده برابر دانسته و صد نفر مسلمان مؤمن را قادر به غلبه بر هزار نفر کافر می داند، و پس از آن که مؤمنین ضعف از خود نشان دادند، این نسبت را به صورت آیه فوق به دو برابر تقلیل داده است، کاملاً نقش ایمان به خدا و پای بندی به احکام اسلامی در پیروزی بردشمنان به عنوان اصلی ترین و اساسی ترین عامل روشن می گردد.

در آیه دیگری خداوند امر کارزار مؤمنین با کافران را به خویش نسبت داده و آن را در ظلّ تأییدات خویش قلمداد می فرماید:

قَلَمَ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَقَيْتَ إِذْ رَقَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى. ۵۳

(ای مؤمنان) نه شما بلکه خدا کافران را کشت (ای رسول) چون تو تیر افکندی نه تو بلکه خدا افکند.

نوع دیگر امدادهای غیبی که در آیات قرآن بیان شده است، کم جلوه دادن مشرکین و کفار در نظر اهل ایمان است تا خداوند بدین وسیله ترس از دشمن را از دل مؤمنان بیرون کرده و در مقابل با ایجاد جرأت و شهامت و شجاعت بیشتری آنان را وادار به جهاد و مبارزه علیه دشمنان اسلام نماید:

إِذْ يُرِيكُمُ اللَّهُ فِي مَتَابِكُمْ قَلِيلًا وَلَوْ أَن رَّاكُمْ كَثِيرًا لَفَسلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ . إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ. ۵۴

و یاد آور (ای رسول) آن گاه که دشمنان را در چشم تو (واصحابت) اندک نشان دادیم (تا قوی دل شوید) و اگر سپاه دشمن را بسیار به چشم شما نشان داده بودیم

۵۳ - انفال: ۱۷.

۵۴ - انفال: ۴۳.

کاملاً هراسان و بد دل شده و در امر (رفتن به جنگ) جدل و مخالفت می کردید، لیکن خدا (شما را از آسیب دشمن) به سلامت داشت که او دانا و متصرف در اندیشه های درونی دل‌های خلق است.

وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ الْقَيْنِمِ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلاً وَيُقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ، لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا، وَاللَّهُ تَرْجِعُ الْأُمُورُ. ۵۵

و یادآور زمانی که خدا دشمنان را هنگامی که مقابل شدید در چشم شما کم نمودار کرد (تاقوی دل شده از آنها نیندیشید) و شما را نیز در چشم دشمن کم بنمود (تا تجهیز کامل و تهیه مهمات جنگ نکنند) تا خداوند آن را که در قضای حتمی خود مقدر نموده (غلبه اسلام) اجرا فرماید و بازگشت امور به سوی اوست.

و بالاخره شکل دیگر امدادهای غیبی الهی به صورت فرستادن ملائکه و فرشتگان به مدد و یاری مؤمنین، به منظور دلگرمی آنان در امر مبارزه و جهاد می باشد، این امر در آیاتی از قرآن کریم به صورت شخصی بیان شده است:

لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّذَبِّحِينَ ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا، وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ. ۵۶

خدا شما مسلمانان را در مواقعی بسیار (سخت و دشوار) یاری کرد و نیز در جنگ حنین که فریفته و مغرور بسیاری لشکر اسلام شدید و آن لشکر بسیار اصلاً به کار شما سیامد و زمین بدان فراخی بر شما تنگ شد (دشمن بر شما چیره و قوی پنجه گردید) تا آن که همه رو به فرار نهادید. آن گاه خدای قادر مطلق و قارو سکینه خود را بر رسول

۵۵ - انفال: ۴۴.

۵۶ - توبه ۲۶-۲۵.

خود و بر مؤمنان نازل فرمود و لشکرهایی از فرشتگان که شما نمی دیدید به مددتان فرستاد و کافران را (پس از آن که غالب و قاهر بودند) به عذاب و ذلت افکند و این است کیفر کافران.

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ. إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمَدِّدَ كُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ. بَلَىٰ إِنَّ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ. وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ. ۵۷.

و همانا شما را بحقیقت در جنگ بدر یاری کرد و غلبه بر دشمن داد با آن که شما از هر جهت در مقابل دشمن ضعیف بودید، پس راه خدا پرستی و تقوی پیش گیرید باشد که شکر نعمتهای خدا به جا آرید. ای رسول به یاد آر آن گاه که مؤمنان را گفستی آیا خداوند به شما مدد نکرد که سه هزار فرشته به یاری شما فرستاد؟ بلی اگر صبر و مقاومت در جهاد پیشه کنید و پیوسته پرهیزکار باشید چون کافران بر سر شما شتابان و خشمگین آیند خداوند برای حفظ و نصرت شما پنجهزار فرشته را با پرچمی که نشان مخصوص سپاه اسلام است به مدد شما می فرستد. و خدا آن فرشتگان را فرستاد مگر برای این که به شما مژده فتح دهد و دل شما را به نصرت خدا مطمئن کند و فتح و پیروزی نصیب شما نگشت مگر از جانب خدای توانای دانا.

إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبُّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُزْدِفِينَ. وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ. ۵۸.

۵۷ - آل عمران: ۱۲۶-۱۲۳.

۵۸ - انفال: ۹-۱۰.

به یاد آر هنگامی را که به پروردگار خود استغاثه و زاری کردید (که شما را بر دشمن غلبه دهد) دعای شما را اجابت کرده (وعده داد) که من سپاهی منظم از هزار فرشته بر شما می فرستم. و این فرشتگان را خدا نفرستاد مگر آن که مژده پیروزی باشد و دل‌های شما را (به وعده خدا) مطمئن سازد که نصرت و پیروزی نیست مگر از جانب خدا که خدا در کمال قدرت و حکمت است.

۴ - دسته ای دیگر از آیات آنهایی هستند که مسلمین را از هرگونه جنگ و خونریزی ناهق باز می دارند. بر اساس مباحثی که تاکنون داشتیم، مشخص شد که خداوند جهاد و مبارزه را تحت شرایط خاصی علیه دشمنان اسلام جایز و واجب شمرده است و گرنه مسلمانان حق مقاتله با برادران ایمانی خویش و سایر کسانی که خواهان همزیستی مسالمت آمیز با مسلمین بوده و آیین اسلام را محترم شمارند، ندارند. اسلام سخت از برادرکشی و خونریزی به ناهق جلوگیری فرموده و آن را شدیداً مذموم داشته و محکوم فرموده است. این امر در آیاتی چند از قرآن مجید صراحت دارد:

وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِكُم رَحِيمًا. ۵۹

(ای مؤمنان) یکدیگر را نکشید که البته بسیار خدا به شما مهربان است (و هرگز به قتل و ظلم شما در حق یکدیگر راضی نیست).

وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا. ۶۰

هرکس مؤمنی را بعمد بکشد مجازاتش آتش جهنم است که در آن جاوید، معذب خواهد بود و خدا بر او خشم و لعن کند و عذابی بسیار شدید مهیا سازد.

۵۹ - نساء: ۲۹.

۶۰ - نساء: ۹۳.

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ دِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ. ۶۱

هیچ مؤمنی را نرسد که مؤمنی را به قتل رساند مگر به اشتباه و خطا مرتکب آن شود و در صورتی که به خطا هم مؤمنی را مقتول ساخت باید کفاره این خطا، بنده مؤمنی را آزاد کند و خونبهای آن را به صاحب خون تسلیم نماید.

در اسلام قتل نفس حرام است و به قدری مورد نکوهش قرار گرفته که خداوند کشتن به ناحق یک نفر را معادل قتل و از بین بردن تمامی انسانها دانسته و می فرماید:

مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا. ۶۲

هر کس نفسی را بدون قصاص و یا بی آن که فساد و فتنه ای در زمین کند به قتل برساند مثل آن باشد که همه مردم را کشته است.

وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ. ۶۳

و نفسی را که خدا حرام کرده جز به حق (به حکم حق و قصاص) به قتل نرسانید.

وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ

مَنْصُورًا. ۶۴

و هر کس که خون مظلومی را به ناحق بریزد ما به ولی او تسلط بر قاتل دادیم پس در مقام انتقام آن ولی در قتل و خونریزی اسراف نکنید که او از جانب ما مؤید و منصور خواهد بود.

با توجه به آیاتی که مورد بحث قرار گرفت کاملاً مشخص می شود که مواضع کنونی ایران در جنگ تحمیلی مصداق بارز جهاد فی سبیل الله بوده و مواضع و

۶۲ - مائده: ۳۲.

۶۱ - نساء: ۹۲.

۶۴ - اسراء: ۳۳.

۶۳ - انعام: ۱۵۱ و نیز فرقان: ۶۸.

عملکرد رژیم متجاوز عراق بر اساس همان معیارهایی است که خداوند متعال جنگ با آنها را جایز دانسته و مسلمین را امر به جهاد و مقاتله آنان کرده است. عملکرد رژیم بعث عراق در شروع جنگ تحمیلی و حمله به جامعه اسلامی ایران و نیز طی سالیانی که از شروع این جنگ می گذرد جای هیچ گونه شکی باقی نمی گذارد که ادعای ما امری کاملاً بدیهی است. رژیم عراق نمونه عالی، محاربین و مفسدین، دوستان و هواداران شیطان، مادی گرایان، کافران مشرکین و منافقین، ظالمین و ستمگران، ملعونین و تبهکاران و پیمان شکنان می باشد یعنی همان گروههایی که بر اساس آیات ذکر شده جنگ با آنها بر مسلمین واجب و لازم است، گذشته از این، این رژیم مصداق کامل متجاوز به اسلام و جامعه اسلامی است و سیاست ایران در این جنگ سیاست مقابله به مثل و دفاع مشروع می باشد یعنی یکی دیگر از اصولی که بر جهاد اسلامی حاکم است کاملاً در این جنگ وجود دارد. بنابراین می توان با توجه به مواضع و عملکردهای رژیم بعث عراق و جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی معیارهای کامل «باطل» و «حق» را مشاهده نمود و تمامی معیارهای باطل را بر رژیم بعث عراق منطبق دانست همان طور که همگی معیارهای حق بر جمهوری اسلامی ایران منطبق است، بنابراین باید با توجه به امدادهای غیبی که همواره متوجه مسلمین بوده و در این جنگ نیز در جبهه های ایران مشهود است - و این نیز خود یکی از نشانه های «حق» در مواضع ایران می باشد - با عزمی راسخ در انهدام و محور رژیم کافر بعث عراق از صحنه تاریخ کوشید و این لکه ننگ را از جامعه مسلمین پاک کرد.

«من الله التوفيق وعليه التكلان»